

چوبه دار و بساط اعدام را تنها با اعتراض می توان متوقف کرد

شما و جوانان کمونیست

جواب به نامه های رسیده

بهرام مدرسی

دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست

دوست عزیزمان مهدی از تهران می نویسد: "آرزوی که صحنه اعدام را دیدم خون گریه کردم. حکومت که رفتنی و حالش خراب است پس اعدام چرا؟ چه باید کرد؟"

احساس مهدی و همه آن کسانی که شاهد به دار آویختن و کشتن انسان دیگری بوده اند واقعی ترین عکس العمل انسانی است. اعدام بقول منصور حکمت قتل عمد است. دولتی با تمام دم و دستگاه اداری و نظامی می نشیند و نقشه کشتن انسانی را میکشد. مستقل از اینکه جرم فرد چه بوده باشد، این قتل عمد در روز روشن، غیر انسانی و توحش محض است. در باره حکم اعدام و ضرورت لغو آن ما تنها جریان سیاسی مطرح در بین اپوزیسیون در ایران هستیم که خواهان لغو و ممنوعیت حکم اعدام شده ایم. در این رابطه باید گفت و بیشتر نوشت.

اما مهدی در ادامه دست روی نکته مهمی میگذارد. اعدام و سرکوب، شکنجه و زندان درست مثل مقنعه و چادر و آیات قرآن اجزای واقعی و جدایی ناپذیر رژیم اسلامی هستند. این اولین بار نیست که اینها بساط اعدام و کشتن انسانها را پهن میکنند. نکشتن و اعدام نکردن به همان اندازه در جمهوری اسلامی قابل تصور است که زندگی بدون حجاب و روسری! نکته اما همین جاست، مردم دیگر زندگی زیر چادر و مقنعه، حکومت مذهبی و ممنوعیت هر آنچه‌ای که با انسانیت و آزادی فاصله دارد را نمیخواهند. از آن متنفرند و میخواهند که این رژیم توحش اسلامی را به زیر بکشند! از خاتمی و خامنه‌ای و همه سابقا پاسدارها و امروز روزنامه نگار شده‌ها گرفته تا سپاه پاسدارانی‌ها و آنها که شلنگ تخته خروج از حکومت را راه انداخته اند، همه اینرا میدانند. مردم، ما، زنان و جوانان و کارگران هم اینرا میدانیم.

اعدامهای اخیر رژیم تلاشی مجدد برای حفظ خود و به نظر من روحیه دادن به صفوف درهم ریخته شان است. می خواهند نشان دهند که هنوز قدرت سرکوب و کشتن دارند، که هنوز جمهوری اسلامی در ایران حاکم است، جمهوری اسلامی که در امواج نفرت مردم دست و پا میزند. رژیمی که مردم برای به زیر کشیدنش روز شماری میکنند.

این موج اخیر اعدامها هم به نظر من کمکشان نمیکند به همین دلیل ساده که درست در شرایطی که اینها بساط اعدام علنی را راه انداخته اند، دانشجویان به اعتراضات خود ادامه میدهند، به این دلیل روشن که کارگران درست

در همین شرایط برای تحقق خواسته‌هایشان دست به اعصاب میزنند، به این دلیل که جوانان درست در همین شرایط به قوانین اسلامی این حکومت گردن نمیگذارند و این توازن قوای واقعی امروز در ایران است. اما مستقل از تمام این جوانب، جلوی این اعدام‌ها را باید گرفت. نباید گذاشت هیچ کسی دیگری قربانی شود. باید درست همانجا که رژیم بساط اعدام براه می‌اندازد، چوبه‌های دار را برسرشان خراب کرد! باید جان انسانهایی که در معرض مرگ قرار گرفته‌اند را نجات داد. باید نشان داد که مردم دیگر آدمکشی را تحمل نمیکنیم. اعتراضاتمان را گسترش دهیم. هر اعتراض متشکل ما برای رسیدن به اهدافمان توازن قوای حاضر را به نفع ما و به ضرر رژیم اسلامی تغییر میدهد. روحیه عوامل رژیم اسلامی از بالا تا پایین خرابتر از آنست که بتوانند طولانی مدت به این سیاست خود ادامه دهند. گسترش اعتراضاتمان شرایط را برای همه‌شان بدتر میکند. مبارزاتمان را باید متشکلاتر و متحدانه‌تر کنیم. هر اعتراضی در هر گوشه کشور باید با موج حمایت‌های سراسری روبرو شود.

جلوگیری از موج اخیر اعدامها ابعادی جهانی هم دارد. باید جمهوری اسلامی را در سرتاسر جهان رسوا کرد. باید به همه مردم دنیا نشان داد که ترور اسلامی از ۱۱ سپتامبر آغاز نشد، که مردم ایران، زنان و جوانان بیست و چند سال است که رودرروی وحشی‌ترین رژیم ترور اسلامی ایستاده‌اند، که مردم در ایران خواهان سرنگونی رژیم اسلامی هستند و اصلاحات در رژیم اسلامی دروغی بیش نیست. باید دولتهای غربی که به این بهانه دست از حمایت رژیم اسلامی نمیکشند را رسوا کرد.

این کار را حزب کمونیست کارگری ایران آغاز کرده است. شنبه گذشته اکثر پایتخت‌های کشورهای اروپایی و آمریکایی، شاهد تظاهراتهای بزرگی به فراخوان این حزب بودند. تظاهراتهایی که با استقبال وسیع مردم روبرو شد. جامعه‌ای که در آن خبری از سرکوب و اعدام نباشد قابل ساختن است اگر که ما تک تک انسانهایی که خواهان زندگی آزاد و برابر هستیم دست در دست هم دهیم و سرنوشت خود را به دست خود بگیریم. باید بیشتر از همیشه با تنها نیرویی که بساط چوبه‌های دار را در ایران برای همیشه جمع میکند، با حزب کمونیست کارگری ایران و سازمان جوانان کمونیست تماس گرفت.